

## نقد ممنوعیت پوشش مذهبی به عنوان حقوق بشر در فرانسه

علی غلامی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۲۰

### چکیده

تصویب قانون منع استفاده از نشانه‌های مذهبی در اماکن عمومی در ۱۵ مارس ۲۰۰۴م. در کشور فرانسه حرکتی است که زمینه تصویب قوانین مشابه خویش را در سایر کشورهای اروپایی فراهم نمود. سوال مطرح در این نوشتار آن است که آیا امکان جمع این تقنین با سایر قوانین و اصول حاکم بر نظام سیاسی فرانسه وجود دارد؟

به نظر می‌رسد پاسخ به این سوال از سه جهت منفی است که از تحلیل انتقادی گزاره‌های ذیل به دست می‌آید. جهت اول، بررسی نسبت این قانون با قوانین داخلی فرانسه همچون اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۲۶ اوت ۱۷۸۹ و قانون اساسی مصوب ۱۹۴۶ و ۱۹۵۸م. این کشور از یک سو و مقررات تعهدآور بین‌المللی فرانسه از سوی دیگر است که در برخی از آنها همچون اعلامیه حقوق بشر ۱۹۴۸م.، فرانسه جزء کشورهای موثر بوده است. جهت دوم، اصول بنیادین نظام سیاسی فرانسه یعنی دموکراسی و لائیسیتیه است که آموزه‌ها و عناصر اصلی آن مثل آزادی عقیده و عدم تاثیر آن در مواضع سیاسی و اجتماعی، به راحتی قابل جمع با این قانون نیست و منهیات مندرج در این قانون با اصول پیش‌گفته در تنافی می‌باشد. جهت سوم، حقوق بشر به معنای عام و فراتر از قوانین و مقررات است که با این قانون مورد محدودیت قرار گرفته است و در مجموع به نظر می‌رسد ریشه این قانون و رفتارهای مشابه آن چیزی جز پدیده موسوم به اسلام‌هراسی نیست.

### واژگان کلیدی

حجاب اسلامی، قانون اساسی فرانسه، دموکراسی، لائیسیتیه، حقوق بشر

\* دانشیار دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام

## مقدمه

ماجرای منع حجاب در فرانسه در ۱۵ اکتبر ۱۹۸۹م. در مدرسه راهنمایی گابریل هاوز<sup>۱</sup> با جلوگیری از ورود سه دانش آموز محجبه به کلاس درس، آغاز شد و در ۲۵ اکتبر، «لیونل ژوسپین» وزیر آموزش و پرورش فرانسه در اظهارنظری همراه با انعطاف اعلام نمود: «اگر بعد از بحث و صحبت با اولیای دانش آموزان، آن‌ها نپذیرفتند که نشانه‌های مذهبی خود را کنار نهند، بایستی به مدرسه بازگردند». در ادامه، «میشل روکارد»؛ نخست وزیر فرانسه، علیه حجاب اسلامی در مدارس سخنرانی کرد و در ۲۷ نوامبر، شورای حکومتی، براساس درخواست ۴ نوامبر لیونل ژوسپین، اظهار کرد: «آزادی‌هایی که برای دانش آموزان در نظر گرفته شده است، شامل حق ابراز و نمایش علائم اعتقاداتشان در محل مؤسسات آموزشی است؛ در عین حال تعددگرایی (پلورالیسم) و آزادی دیگران نیز بایستی محترم شناخته شود، بدون آنکه به فعالیت‌های آموزشی و برنامه آموزشی ضربه بزند. در عین حال این آزادی‌ها محدودیت‌هایی نیز دارد و نبایستی به عنوان فعلی جهت اعمال فشار، تلاش برای تغییر عقاید دیگران یا تبلیغات که موجب تحدید شرافت یا آزادی دانش آموزان یا دیگر اعضای جامعه آموزشی گردد و بهداشت و امنیت را به خطر اندازد یا در ادامه فعالیت آموزشی ایجاد اخلال نماید».

(غلامی، ۱۳۹۳، ص ۳۰۹)

در سال ۱۹۹۲م. «فرانسوا بیرو»<sup>۲</sup> وزیر آموزش و پرورش در سال ۱۹۹۴م. مجدداً بحث حجاب اسلامی را پیش کشید و مجله لوپوئن<sup>۳</sup> بخشنامه وزیر آموزش و پرورش را در مورد ممنوعیت حجاب در مدارس دولتی اعلام کرد و گفت: بیرو برای توجیه تصمیمش به یک نظرسنجی که ۸۶ درصد شرکت کنندگان آن موافق این طرح بوده‌اند، استناد می‌کند (Deltombe, 2005, p. 219)؛ اگرچه بعداً این طرح شکست خورد. در ادامه، در سال ۲۰۰۳م. خبرگزاری فرانسه اعلام کرد که: «ژاک لانگ وزیر سابق آموزش و پرورش مایل است قانونی برای ممنوعیت حجاب در مدارس صادر گردد». (ضابط، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲)

در پی این تحولات، «ژاک شیراک» در سوم ژوئیه ۲۰۰۳م. برنار استاسی را به ریاست کمیسیون تحقیق لائیسیته منصوب کرد و گزارش کمیسیون استاسی روز یازدهم دسامبر ۲۰۰۳م. تقدیم رئیس جمهور فرانسه شد. (پوشش زنان مسلمان آماج سیاست

فرانسه، ۱۳۸۲، ص ۳) علیرغم همه مخالفت‌ها، ژاک شیراک در تاریخ ۱۷ دسامبر ۲۰۰۳ م. طی سخنرانی خود در مورد احترام و اجرای اصول لائیسیته، اعلام کرد که این ممنوعیت‌ها لازم است و سپس در تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۰۴ م. مجلس ملی فرانسه، قانون منع استفاده از نشانه‌های مذهبی در اماکن عمومی را تصویب و از سپتامبر ۲۰۰۴ م. یعنی شروع سال تحصیلی، لازم‌الاجرا نمود.<sup>۴</sup>

در ادامه این روند، روبند که تنها در مواردی مثل رانندگی ممنوع بود، توسط مجلس فرانسه در ۱۱ می ۲۰۱۰ م. مشمول یک قطعنامه غیرالزام‌آور شد و در تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۱۰ م. روبند به طور کامل ممنوع شد و استفاده‌کنندگان از آن به پرداخت ۱۵۰ یورو جریمه محکوم می‌گردند و مردانی هم که زنان را مجبور به استفاده از برقع کنند، به یک سال زندان محکوم و ۳۰ هزار یورو جریمه می‌شوند و کسی که زنان اقلیت را به انجام این کار مجبور کند، به دو سال حبس و ۶۰ هزار یورو جریمه محکوم می‌شود.<sup>۵</sup>

البته باید توجه نمود که برخی سیاستمداران و اندیشمندان فرانسوی ضمن موافقت با این قوانین معتقدند شهروند خوب کسی است که خود را از منافع و علایق خصوصی یا فرهنگی و اجتماعی خاص رها کند تا بتواند در یک قلمرو سیاسی در راستای خیر عمومی رفتار نماید. (Windle, 2004, p.98) این سیاستمداران و اندیشمندان معتقدند که خرد و فضیلت دو ویژگی اساسی شهروندان جمهوری است؛ خرد، واکنشی است علیه دل‌بستگی یا وابستگی فرهنگی خاص که ممکن است در تعارض با جمهوریت قرار گیرد و فضیلت شامل عشق ورزیدن شدید به خیر عمومی و حفاظت از جامعه است (Gianni and Guilaume, 2002, p. 10) و تنها از طریق این دو ویژگی جمهوری، برابری و برادری ایجاد می‌شود.

در این میان، دولتمردان فرانسه معتقدند، مدارس دولتی از مهم‌ترین مکان‌هایی است که در جامعه‌پذیر نمودن افراد با این مفاهیم و ارزش‌ها نقش دارد؛ به عبارت دیگر مهم‌ترین وظیفه مدارس دولتی، تبدیل افراد به شهروند است. مقامات فرانسوی اهمیت زیادی برای پایبندی به سنت‌های جمهوری و تعریف جمهوری از شهروند قائل هستند و معتقدند همه ساکنان فرانسه باید در راه تحقق سکولاریسم تلاش نمایند و در فهمی مشترک از مفهوم شهروندی بکوشند. دولت فرانسه برای اطمینان از تلقین تدریجی

ارزش‌های جمهوری، از ابتدا سعی می‌کند قوانین، سیاست‌های عمومی و خصوصاً نظام آموزشی خود را در قالب متحدکننده‌های فرهنگی با یکدیگر وارد تعامل کند و اینجاست که بحث محدودسازی استفاده از نمادهای مذهبی متمایزکننده مورد توجه قرار گرفته و با استدلال مخالفت با اصول لائیسیته و سکولاریسم ممنوع می‌گردد و همه موافقان قانون منع حجاب از همین استدلال برای دفاع از آن بهره می‌برند. (کیان‌پور و یزدخواستی، ۱۳۸۵، ص ۵۰)

سوالی که این نوشتار در پی پاسخ به آن است، نسبت این تقنین با سایر قوانین و اصول حاکم بر نظام سیاسی فرانسه است که به نظر می‌رسد توجیه این قانون بر اساس اصل لائیسیته که از سوی ژاک شیراک، رییس جمهور وقت فرانسه، و در ادامه اندیشمندان موافق این قانون مطرح شد، با تعاریف مصطلح از واژه لائیسیته قابل جمع نیست.

بر همین اساس، این نوشتار قانون پیش‌گفته را از جهت تعارض با قوانین داخلی فرانسه، مقررات بین‌المللی، اصول لائیسیته، دموکراسی و نهایتاً حقوق بشر مورد تحلیل قرار می‌دهد و در جمع‌بندی این نوشتار نیز، واقعیت امر تقنین علیه حجاب در فرانسه مورد تبیین قرار می‌گیرد.

## ۱. نقد و تحلیل بر اساس قوانین داخلی و بین‌المللی

تحلیل رفتار قانونی فرانسه هم از طریق قوانین داخلی این کشور و هم از طریق معاهدات و قوانین بین‌المللی که دولت فرانسه به خاطر پیوستن به آنها، ملزم به رعایتشان می‌باشد، مقدور است.

### ۱-۱. نقد تقنین بر اساس قوانین داخلی فرانسه

فرانسویان با انقلاب ۱۷۸۹م. و با شعار آزادی، برادری و برابری مدعی پیشتازی در رعایت حقوق بشر هستند و علیرغم اعتقاد به لائیسیته مدعی رعایت حقوق مذاهب در عین جدایی آن از سیاست و امور اجتماعی می‌باشند. بر همین اساس در ماده ۱۰ اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۲۶ اوت ۱۷۸۹ فرانسه آمده است: «هیچ کس را نباید به سبب عقایدش نگران کرد حتی بابت عقاید مذهبی...» ([www.larousse.fr](http://www.larousse.fr))

همچنین در ماده ۱۱ این اعلامیه اشاره شده «انتقال آزاد اندیشه‌ها و عقاید یکی از

پربهاترین حقوق انسانی است. هر شهروندی می‌تواند سخن بگوید، بنویسد و آزادانه نشر دهد؛ مشروط بر آنکه در موارد تعیین شده توسط قانون به سوء استفاده از این حق پاسخگو باشد». ([www.larousse.fr](http://www.larousse.fr))

در قانون اساسی سال ۱۹۰۵م. فرانسه و در ماده یک تصریح می‌کند که فرانسه، آزادی مذهب را قبول دارد، در عین اینکه ماده دو بیان می‌دارد که جمهوری، هیچ دینی را به رسمیت نمی‌شناسد و به هیچ دینی کمک مالی نمی‌کند. فارغ از درست یا غلط بودن این نظریه و التزام یا عدم التزام واقعی دولت فرانسه به اجرای آن، به هر حال این قانون، اصل آزادی مذاهب را پذیرفته است. (ضابط، ۴-۱۳۸۳، ص ۱۵)

در مقدمه قانون اساسی جمهوری چهارم فرانسه در سال ۱۹۴۶ نیز آمده است: «حقوق آزادی‌های انسان و شهروندان که به موجب اعلامیه حقوق بشر مورخ ۱۷۸۹ و اصول اساسی مصرح در قوانین جمهوری محترم شمرده شده است، بار دیگر تأکید می‌شود». ([www.conseil-constitutionnel.fr](http://www.conseil-constitutionnel.fr))

در ماده ۲ قانون اساسی ۱۹۵۸م. آمده است: «فرانسه یک جمهوری غیرقابل تجزیه، غیرمذهبی، دموکراتیک و اجتماعی است. دولت، اصل برابری در مقابل قانون را برای تمام اتباع خود بدون در نظر گرفتن نژاد و مذهب تضمین می‌نماید و به تمام اعتقادات احترام می‌گذارد...». ([www.conseil-constitutionnel.fr](http://www.conseil-constitutionnel.fr))

قانون آموزش و پرورش فرانسه شامل ۹ کتاب و هر کتاب مشتمل بر ۵ الی ۸ باب است. در کتاب اول این قانون که اصل اولیه آموزش و پرورش نام دارد و دارای ۶ باب است، باب چهارم به لائیسیته در آموزش عمومی اختصاص یافته است. این باب خود مشتمل بر ۶ ماده است که در دومین ماده آن یعنی ماده ۲-۱۴۱ آمده است: «طبق اصول مشخص و محرز قانون اساسی، حکومت برای کودکان و نوجوانان در مؤسسات آموزشی دولتی، امکان دسترسی به آموزش مطابق با استعدادهایشان و با احترام یکسان به همه عقاید را تضمین می‌نماید. حکومت کلیه ترتیبات مقتضی برای تضمین آزادی مذهب و آموزش مذهب برای دانش‌آموزان، آموزش‌های عمومی را اتخاذ می‌نماید». (رحمانیان، ۱۳۸۴، ص ۲)

با توجه به آنچه ذکر گردید، مشخص می‌شود که منع حجاب و پوشش قبل از ۱۵ مارس ۲۰۰۴م. و تصویب قانون در مجلس فرانسه توسط برخی معلمان و همچنین

صدور بخشنامه توسط وزراء، خلاف قانون بوده است. از طرفی مجلس فرانسه نیز در تقنین خویش، یک قانون عادی را بر خلاف قانون اساسی به تصویب رسانده که این امر نیز پذیرفتنی نیست؛ چون قوانین عادی نباید با قانون اساسی در تعارض باشد و توجیه حفظ اصول لائسیته و سکولاریسم مجوز نقض قوانین اساسی و عادی نمی‌باشد؛ زیرا اگرچه اصولی چون لائسیته سابقه‌ای قدیمی‌تر از قانون اساسی فرانسه دارد، اما مفهوم و روند انتقال این مفاهیم به قانون اساسی فرانسه قابلیت چنین توجیهی را ندارد که در ادامه این نوشتار بدان اشاره خواهد شد.

## ۲-۱. نقد تقنین بر اساس قوانین بین‌المللی

معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی با پیوستن کشورها به آنها رسمیت یافته و سپس برای کشورهای عضو الزاماتی را به همراه می‌آورد که با توجه به میزان تعهدات و نوع معاهده، استفاده از حق تحفظ کلی یا جزئی و عوامل متعدد دیگر تغییر می‌نماید. فرانسه به عنوان کشور مدعی سرمداری آزادی، در قریب به اتفاق معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای، نه تنها جزء اعضا بوده بلکه معمولاً جزء پیشگامان و بنیانگذاران می‌باشد. در اینجا به میزان تطبیق تقنین این کشور علیه حجاب با تعهدات بین‌المللی و منطقه‌ای آن پرداخته می‌شود.

### ۱-۲-۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۶</sup> مصوب ۱۹۴۸م. به نظر بسیاری از اندیشمندان اروپایی و آمریکایی مهم‌ترین سند حقوق بشر است. برخی از مواد این اعلامیه با بحث این نوشتار رابطه مستقیم دارد که عبارت است از:

ماده ۲: «هر فردی بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، تولد یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و آزادی‌های اعلام‌شده در این اعلامیه برخوردار است».

ماده ۳: «هر کس از حق برخورداری از آزادی‌های فردی و امنیت برخوردار است».

ماده ۵: «هیچکس را نمی‌توان شکنجه کرد یا ستمگرانه مورد آزار غیرانسانی و

توهین و مجازات قرار داد».

ماده ۱۸: «هر کسی از حق آزادی دین، وجدان و عقیده برخوردار است. این حق، آزادی در تغییر دین و ایمان یا آزادی تبیین دین و ایمان از طریق آموزش، اجرا و عبادت به شکل فردی یا اجتماعی، آشکار یا نهان را شامل می‌شود».

ماده ۱۹: «هر کسی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار است. این حق هرگونه روش مسالمت‌آمیز برای تحقیق در علوم و عقاید و پذیرش و تبلیغ آن را در تمام کشورها شامل می‌شود». ([www.un.org/fr/universal-declaration-human-rights](http://www.un.org/fr/universal-declaration-human-rights))

با توجه به اینکه در قانون اساسی فرانسه، فصل یا اصل خاصی به حقوق بشر و شهروندی اختصاص نیافته است، در مقدمه این قانون، مقنن رسماً پایبندی خود را به اعلامیه حقوق بشر اعلام نموده است و خلأ فوق را به نوعی برطرف کرده است.<sup>۷</sup> با توجه به مقدمه و برخی مواد قانون اساسی فرانسه و مواد متعدد اعلامیه جهانی حقوق بشر خصوصاً ماده ۱۸ آن، اعمال محدودیتی از قبیل آنچه در قانون منع استفاده از نشانه‌های مذهبی در اماکن عمومی پیش‌بینی شده است، قابل توجیه و دفاع نمی‌باشد. (کاراگز، ۱۳۸۱، ص ۱۶)

## ۲-۲-۱. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۵۴م. تقدیم مجمع عمومی سازمان ملل شده است و در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶م. به تصویب رسید. قبل از پرداختن به سه ماده این میثاق که مرتبط با موضوع نوشتار است، باید اشاره کرد که در بند اول این میثاق گفته شده که آموزش و پرورش در یک جامعه، باید به دور از تبعیض‌های نژادی، قومی و مذهبی باشد و در بند ۳ قسمت ه، حق والدین جهت آموزش دینی و اخلاقی فرزندانشان مطابق عقایدشان تصریح گردیده است.

ماده ۱۸: «هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه به طور جمعی یا فردی، علنی یا در خفاء و در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد». ([www.ohchr.org](http://www.ohchr.org))

ماده ۱۹ طی سه بند اشعار می‌دارد که هیچ‌کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و ترساندن قرار داد. هر کس حق آزادی بیان دارد و این حق شامل

آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات، خواه شفاهاً یا به صورت کتبی یا چاپی یا هنری یا به هر وسیله دیگری به انتخاب خود می‌باشد. اعمال حقوق مذکور در بند دوم این ماده متسالم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد؛ الف: احترام به حقوق یا حیثیت دیگران، ب: حفظ امنیت ملی یا سلامت یا اخلاق عمومی. (www.ohchr.org) ماده ۲۷: «۱- دولت‌های عضو این میثاق، حق هر فرد را جهت برخورداری از آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. آنها می‌پذیرند که آموزش و پرورش باید در جهت توسعه کامل شخصیت و حیثیت انسان و احترام فرد به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تقویت و هدایت شود. همچنین آنها می‌پذیرند که آموزش و پرورش می‌تواند شرکت فعال و مؤثر را در یک جامعه آزاد و در یک فضای تفاهم، مدارا و دوستی بین تمام ملت‌ها و گروه‌های نژادی، قومی یا مذهبی و همچنین فعالیت‌های سازمان ملل متحد جهت برقرار ساختن صلح تحقق بخشد... ۳- دولت‌های عضو این میثاق متعهد می‌گردند که حق آزادی و اختیار والدین و سرپرستان قانونی را برای انتخاب مدارس کودکانشان غیر از مداری که به وسیله دولت تأسیس شده است، به شرط تطبیق دادن با حداقل موازین آموزشی که دولت تنظیم و تصویب کرده است، تضمین کنند و نیز حقوق والدین را جهت آموزش مذهبی و اخلاقی کودکانشان بر طبق معتقدات خود در نظر بگیرند. ۴- هیچ‌یک از اجزای این ماده نباید به نحوی تفسیر شود که از آزادی افراد و اشخاص برای تأسیس و اداره نهادهای آموزشی ممانعت کند؛ مشروط بر اینکه آنها همواره تابع رعایت اصولی باشند که در بند یک ماده آمده است و نیز مطابق با حداقل میزان آموزش‌های دولتی باشد». (www.ohchr.org)

این میثاق نیز جزء تعهدات بین‌المللی فرانسه است که رفتار قانونی این کشور ضد حجاب اسلامی، برخلاف هر سه ماده مذکور از این پیمان می‌باشد. عبارت «آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه به طور جمعی یا فردی، علنی یا در خفاء و در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی» در ماده ۱۸، عبارت «هیچ‌کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و ترساندن قرار داد» در ماده ۱۹ و عبارت «حقوق والدین را جهت آموزش مذهبی و اخلاقی کودکانشان بر طبق معتقدات خود در نظر



بگیرند» در ماده ۲۷ در تعارض آشکار با قانون منع استفاده از نشانه‌های مذهبی در اماکن عمومی است. البته گاهی برخی قیود مذکور در تعدادی از مواد پیش‌گفته اختیاراتی را برای تحدید حقوق افراد در اختیار نهاد حاکم قرار می‌دهد ولی جهت تشخیص مشروعیت تقنین این تحدیدات، اولاً توجه انحصاری به عبارتی از یک ماده کافی به نظر نمی‌رسد و باید کلیه تعهدات قانونی داخلی و بین‌المللی یک کشور مد نظر قرار گرفته شود و این تحدید با توجه به همه منابع مذکور مورد تحلیل و توجیه قرار گیرد و ثانیاً در کنار این قوانین به اصول حاکم بر سیاستگذاری و تقنین در یک کشور نیز توجه لازم صورت پذیرد.

## ۲-۱. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی

کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی<sup>۱</sup>، سند دیگری است که کشور فرانسه علیرغم ملحق شدن به آن و تلاش جهت تصویب آن در اروپا، آن را نقض نموده است.

بند اول ماده ۱۰ این کنوانسیون مقرر می‌کند: «هر کس حق بهره‌مندی از آزادی ابراز عقیده و بیان را داراست و این حق متضمن آزادی در داشتن عقاید و دریافت و انتقال اطلاعات و ایده‌ها بدون دخالت مقامات عمومی و بدون توجه به مرزهاست. این ماده نباید کشورها را از رعایت مقررات و شرایط صدور مجوز برای کارگزاری‌های خبرگزاری، تلویزیون و سینما منع کند».

([www.echr.coe.int/Documents/Convention](http://www.echr.coe.int/Documents/Convention))

ماده ۹ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: «۱- هر کس حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی تغییر مذهب یا عقیده و آزادی ابراز مذهب یا عقیده، خواه به تنهایی و یا به همراه دیگران و خواه به شکل عمومی و یا در خفا و به شکل عبادت، آموزش، آداب و رسوم و اعمال شعائر مذهبی است».

([www.echr.coe.int/Documents/Convention](http://www.echr.coe.int/Documents/Convention))

همچنین در بند ۳ ماده اول و بند ج ماده ۵۵ منشور سازمان ملل آمده است: «کلیه دول عضو، متعهد به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا دین خواهند بود».

([www.un.org/en/charter-united-nations](http://www.un.org/en/charter-united-nations))

البته علاوه بر این موارد، می‌توان به دیگر معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی فرانسه همچون پیمان‌نامه حقوق بشر اروپا، سند نهایی هلسینکی و.. اشاره کرد که از حوصله این نوشتار خارج است اما قابل توجه است که آراء دیوان اروپایی حقوق بشر نیز موید عملکرد فرانسه در منع حجاب و روبند است.<sup>۹</sup>

## ۲. نقد و تحلیل بر اساس اصول دموکراسی و لائیسیتته

منظر دوم در تحلیل تقنین علیه حجاب اسلامی در فرانسه، اصولی است که به تصریح اندیشمندان و سیاستمداران این کشور، مبنای بنیادین حاکمیت در فرانسه هستند و در طول سالیان اخیر و مباحث مربوط به منع حجاب، به انحاء مختلف مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این اصول عبارتند از دموکراسی و لائیسیتته. البته بحث از این دو مقوله در این بخش نه به عنوان بخشی از قوانین فرانسه بلکه به عنوان گزاره‌هایی فراقانونی مدنظر می‌باشد.

### ۲-۱. دموکراسی و تقنین علیه حجاب اسلامی

در مقدمه قانون اساسی فرانسه آمده است: «ملت فرانسه علاقه خود را به مبانی حقوق بشر و اصول حاکمیت ملی به نحوی که در اعلامیه ۱۷۸۹ ذکر گردیده و در مقدمه قانون اساسی مصوب ۱۹۴۶ نیز تأیید شده است، رسماً اعلام می‌نماید...»  
در اصول ۱ تا ۴ این قانون، به مسائلی چون دموکراتیک بودن فرانسه، اصل برابری، نفی تبعیض نژادی و مذهبی، برادری، اداره حکومت توسط مردم، همه‌پرسی، مراجعه به آراء مردم، انتخابات، آزادی احزاب و احترام به حاکمیت ملت تأکید شده است (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ص ۹۰).  
در تعریف دموکراسی دو اصل کلی نظارت همگانی بر تصمیم‌گیری جمعی و داشتن حق برابر در اعمال این نظارت لحاظ می‌شود، با این حال تعریف مطلق از دموکراسی ارائه نمی‌شود و این مفهوم نسبی دانسته می‌شود که هر جماعتی از جمله یک حکومت می‌تواند از تمام یا بخشی از آن برخوردار باشد. (بیتهام و بوایل، ۱۳۷۶، صص ۱۹-۱۸)

در بیان ویژگی‌ها و مشخصه‌های دموکراسی که به نوعی عامل ارزشمندی آن نیز به شمار می‌رود، عوامل متعددی همچون برابری در حقوق شهروندی، انتخابات آزاد و عادلانه، آزادی و امنیت فردی، قانون‌گرایی، برآوردن نیازهای عمومی مردم، شفافیت در عملکرد و پاسخگویی حاکمیت، آزادی عقیده، حاکمیت مردم، کثرت‌گرایی و تساهل، جامعه مدنی، آزادی بیان و رسانه‌ها، حقوق اقلیت‌ها، نوسازی اجتماعی، آزادی اطلاعات، اعتراضات مدنی و... وجود دارد که برخی ناظر به اصل دموکراسی و برخی دیگر مربوط به حکومت دموکراتیک می‌باشند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

حکومت قانون شالوده آزادی‌های فردی و همچنین دموکراسی است. بدون وجود حکومت قانون، هیچ تضمینی برای حفظ حقوق فردی از سوی دولت وجود ندارد و مادامی که منبع قانون، قوه مقننه منتخب مردم و قانون اساسی باشد، هرگونه نادیده گرفتن مقررات و موازین قانونی حتی در جهت منافع مردم یا تحت فشار و خواسته مداوم مردم، مغایر با اصول دموکراسی است. (بیتهام و بویل، ۱۳۷۶، ص ۹۵)

این در حالی است که قانون ۱۵ مارس ۲۰۰۴م. در تعارض با اصول قانون اساسی فرانسه و قانون آموزش و پرورش آن به عنوان قوانین داخلی و مخالف تعهدات بین‌المللی این کشور همچون اعلامیه حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و... می‌باشد.

کثرت‌گرایی و تساهل که دیگر ویژگی دموکراسی است از آنجا ناشی می‌شود که اصولاً دموکراسی بر پایه بحث‌های آزاد، متقاعدسازی و مدارا استوار است. تأکید دموکراسی بر مناظره، نه تنها نشان‌دهنده پذیرش اختلاف نظر و اختلافات منافع در بیشتر مسائل سیاسی است، بلکه نشان می‌دهد که برای بیان این اختلافات و گوش سپردن به آنها نیز باید حقی قائل شد. بر همین اساس، مقدمه دموکراسی و پیش‌فرض آن، پذیرش وجود کثرت و گوناگونی در درون جامعه و برابری شهروندان آن جامعه است و هنگامی که این گوناگونی ابراز می‌شود، بحث متقاعدسازی و مدارا، روش دموکراتیک حل اختلافات است نه تحمیل قدرتمندانه عقیده یا نمایش قدرت. در نقطه مقابل این اصل می‌توان اظهارنظرهای صریح دولتمردان فرانسه همچون ژاک شیراک، نیکولا سارکوزی، فرانسوا بیرو و... را قرار داد - که در سطور قبل بدان اشاره شد - که با صراحت حجاب اسلامی را که نماد کثرت‌گرایی در جامعه فرانسوی است، با تحمیل

قدرتمندانه عقیده خود محکوم نموده و مسلمانان را از آن محروم می‌سازند. جامعه مدنی مجموعه نهادها، انجمن‌ها و تشکیلات اجتماعی است که وابسته به دولت و قدرت سیاسی نیستند ولی نقش تعیین‌کننده‌ای در صورت‌بندی قدرت سیاسی دارند. جامعه مدنی یکی از پایه‌های اساسی از حوزه‌های عمومی خودمختار است که در درون آن، انجمن‌ها و نهادهای مدنی بتوانند به امور خود، سروسامان بدهند و منافع اعضای خود را پاس بدارند. همچنین حوزه‌های مذکور باید در دسترس عموم مردم باشد و امکان حضور و مشارکت عامه و نهادهای جامعه مدنی از یک سو و میان جامعه مدنی و دولت از سوی دیگر، رابطه‌ای اندام‌وار وجود داشته باشد تا دموکراسی ممکن گردد. (بشیریه، ۱۳۸۰، ص ۹۳)

منابع مختلف، تعداد مسلمانان فرانسه را بین ۵ تا ۷ میلیون تخمین می‌زنند (اسلام در فرانسه، ۱۳۸۵، ص ۳۱) که اگر بسیار کمتر از این نیز باشد، شایسته بود که ملاقات‌ها، پیام‌ها، اعتراضات و نامه‌های آنان پس از اعلام گزارش استاسی و قبل از سخنرانی شیراک و سپس تصویب قانون در مجلس فرانسه همانند نظرات سایر نهادها، انجمن‌ها و تشکیلات اجتماعی مورد توجه قرار گیرد که اینگونه نشد.

رعایت حقوق اقلیت گاهی در معنای سیاسی است که منظور از آن، تنظیم رابطه اکثریت پیروز در انتخابات با اقلیت بازنده در آن است. در این فرض به اکثریت توصیه می‌شود حقوق اقلیت را ضایع نکنند چون این اقلیت، در آینده اکثریت خواهند شد و به اقلیت توصیه می‌شود به تصمیمات اکثریت احترام بگذارد تا روزی که خود اکثریت شد، همین عکس‌العمل را از گروه مقابل دریافت نماید. فرض دیگر در مورد اقلیت، گروه‌های قومی، نژادی، مذهبی و... است که در میان ملتی دیگر قرار دارند و مطابق قوانین بین‌المللی و داخلی حائز حقوق و امتیازاتی هستند. مسلمانان، بزرگترین اقلیت در فرانسه هستند و پس از مسیحیان کاتولیک، دارای بیشترین جمعیت می‌باشند (اسلام در فرانسه، ۱۳۸۵، ص ۳۱)، با این حال نه در مجلس فرانسه دارای کرسی می‌باشند و نه می‌توانند یکی از ۳۶۰۰۰ شهردار فرانسه باشند. اما مشکل اصلی این اقلیت، محرومیت از مناصب سیاسی نیست، بلکه محروم شدن از آموزه‌های مذهبی است که مطابق قوانین بین‌المللی همچون ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و قوانین داخلی همچون قانون اساسی فرانسه، جزء حقوق مسلم و پذیرفته‌شده آنان

است.

برابری در حقوق شهروندی جزء اصول اولیه دموکراسی است که همه مردم قطع نظر از هویت‌های قومی، مذهبی، طبقاتی و یا گرایش‌های سیاسی از حقوق طبیعی، مدنی، سیاسی و خصوصاً حق بیان اندیشه، دگراندیشی و اختلاف نظر برخوردارند. این برابری مستلزم عدم تبعیض بین افراد از هر نوع به ویژه از لحاظ نژاد، قومیت، جنسیت، مذهب، عقیده سیاسی و غیره است. (بشیریه، ۱۳۸۰، ص ۳۴) در این مورد نیز علاوه بر محرومیت مسلمانان از حق دگراندیشی و اختلاف نظر، تبعیض‌های جدی‌ای میان آنان حتی با یهودیان و مسیحیان و در مواردی منحرفین اخلاقی همچون شیطان‌پرستان و همجنس‌گرایان وجود دارد که در قسمت‌های بعد به آن پرداخته خواهد شد.

آزادی یکی از مهم‌ترین ارکان دموکراسی است که حیطه‌های مختلف آن در تحقق دموکراسی به معنای واقعی نقش‌آفرینی می‌کند؛ آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی رسانه‌ها، آزادی دسترسی به اطلاعات، آزادی اجتماعات و... همگی جزء شقوق آزادی هستند که میزان تحقق آنها به نوعی نشان‌دهنده شدت و ضعف تحقق دموکراسی در هر مجموعه و هر دولت است.

طبق تعریف دموکراسی، احترام به حق آزادی افراد باید در مورد همه افراد جامعه گسترش یابد و جامعه دموکراتیک حتی از حق آزادی و مصونیت افرادی که خواسته آنها مخالف خواسته‌های اکثریت است، نیز دفاع می‌کند. همچنین آزادی پایبندی به مذهب یا عقیده‌ای خاص و آشکار ساختن و عمل به آن را منوط بر اینکه مخل حقوق دیگران نباشد، به افراد می‌بخشد. در این جامعه، هر شهروندی مجال انتقال افکار خود را به دیگران دارد و همچنین اطلاعات و اسناد دولتی به جز در موارد خاص و استثنایی در دسترس مردم قرار دارد و علاوه بر همه این‌ها شهروندان مجازند با برگزاری اجتماعات، راهپیمایی‌ها و درخواست رسیدگی به نارضایتی‌ها، اعتراض خود را اعلام نمایند. (بیتهم و بویل، ۱۳۷۶، صص ۱۲۷-۱۲۴)

این مصادیق از آزادی، خصوصاً آزادی عقیده مسلمانان و آشکار ساختن آن، با قانون منع حجاب مشخصاً محدود و نقض شده است و این‌ها جدای از مشکلاتی است که برای محققان فرانسوی دگراندیش در مورد حجاب همچون ماری کلود لوتراند اعمال می‌شود. (عظیم‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۹۶)

## ۲-۲. لائیسیته و تقنین علیه حجاب اسلامی

در بحبوحه جریانات مربوط به تصویب قانون منع حجاب، «رافران» نخست وزیر فرانسه با استناد به لائیسیته به عنوان منبع سنت‌های فرانسوی، از این قانون دفاع می‌کند؛ ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه علاوه بر اشارات مکرر به لائیسیته، استاسی را به ریاست کمیسیون تحقیق لائیسیته منصوب می‌کند و نمونه‌های دیگر. (پوشش زنان مسلمان آماج سیاست فرانسه، ۱۳۸۲، ص ۳) اما سؤال اینجاست که واقعاً با توجیه و به بهانه لائیسیته می‌توان حجاب اسلامی را ممنوع کرد؟

عبارت لائیسیته از ریشه لاتین «Laios» به معنای مردم گرفته شده است و لائیک «Laic» متضاد کلمه «Clerc» به معنای روحانی مسیحی است و منظور از آن شخصی است که به مردم تعلق داشته باشد نه به هیأت روحانیون مسیحی؛ زیرا در دوره قرون وسطی، لائیک به کسی گفته می‌شد که غسل تعمید داده شده بود و بدین ترتیب در زمره مسیحیان درآمد بود، در حالی که روحانی مسیحی به کسی اطلاق می‌شد که عهده‌دار منصبی در کلیسا بود. (ضابط، ۴-۱۳۸۳، ص ۱۴)

قانون ۹ دسامبر ۱۹۰۵م. (مشهور به قانون جدایی کلیساها و دولت) در ماده نخست مقرر نمود که جمهوری فرانسه آزادی عقیده را تأمین کرده و فقط محدودیت‌های ناشی از نظم عمومی را بر این آزادی روا می‌داند. پس از آن، لائیسیته به عنوان اصلی مطرح شد که مواد بسیاری از قانون اساسی چهارم فرانسه حول محور آن شکل گرفتند. در سال ۱۹۵۸م. نیز در ماده دو قانون اساسی آمد: «فرانسه کشوری است جمهوری و لائیک. جمهوری فرانسه، برابری همه شهروندان در برابر قانون را بدون تمایز خاستگاه، نژاد یا دین و مذهب تضمین می‌کند و به همه باورها و اعتقادات احترام می‌گذارد.»

بر اساس این اصل، خصوصاً پس از ورود به قانون اساسی، برنامه‌های آموزشی دوره‌های پیش از آموزش عالی باید غیرمذهبی باشد و از سوی دیگر اماکن آموزشی و به ویژه کادر آموزشی باید به گونه‌ای در این زمینه رفتار کنند که آزادی عقیده دانش‌آموزان مخدوش نشود. البته همه این تدابیر مربوط به قبل دانشگاه است و دوره‌های آموزش عالی با اینکه دانشگاه‌ها جزو خدمات عمومی محسوب می‌شوند و مقررات عمومی بر کارمندان آنها حاکم است، آزادی کامل بر رفتار دانشجویان از این

حیث حاکم است. (ویژه، ۱۳۸۳، ص ۱۵)

در تمام این سال‌ها دو ریشه فلسفی و سیاسی برای لائیسیته در نظر گرفته می‌شود که کاملاً مرتبط با یکدیگر بوده و تنها در شکل‌گیری اصل لائیسیته در فرانسه تفکیک شدند. نخستین انگیزه، روح آزادی بود که به عنوان دلیلی نیرومند برای جدایی مسیحیت از حکومت مطرح شد که به موجب آن، دین به حوزه خصوصی رانده می‌شد و لائیسیته به عنوان تکلیف به بی‌طرفی در این زمینه تجلی می‌یافت. دومین دلیل، اصل اعتقاد عقلی و اعتماد به پیشرفت علوم بود که لائیسیته را به مثابه اخلاق حاکم در جامعه مطرح می‌کرد. به اعتقاد حامیان این نظریه، این نوع اخلاق برون‌دینی، کاملاً واجد قدرت ساماندهی اجتماع به خصوص در زمینه‌های آموزشی بود. (ویژه، ۱۳۸۲، ص ۱۵)

با توجه به آنچه گفته شد، حکومت باید در رابطه با مردم، سیاست بی‌طرفی مثبت<sup>۱</sup> داشته باشد و این بی‌طرفی را اعمال کند. در این معنا، بی‌طرفی منفی کافی نیست. به موجب تعاریف فوق، واضح است که لائیسیته نه به معنای تعرض به عقاید مذهبی کارمندان یا ارباب رجوع ادارات دولتی و نه به معنای ضدیت با مذاهب یا به طور کلی تفکر مذهبی در جامعه است. این اصل را از لحاظ حقوقی می‌توان به معنای برابری تمام شهروندان در سطح عمومی در مقابل حکومت، فارغ از عقاید و دین آنها دانست. (ویژه، ۱۳۸۲، ص ۱۵)

اکنون به نظر می‌رسد لائیسیته در معانی جدید آن به کار می‌رود و به تدریج جای واژه تاثیرگذار مدرنیته را می‌گیرد. در تعریف واژه لائیسیته در فرهنگ لاروس چنین آمده است: «نظامی که ورود کلیسا را به عرصه‌های قدرت سیاسی، اداری و به ویژه مدارس عمومی رد می‌کند.» (جر، ۱۳۸۷، ج ۲، ذیل واژه لائیسیته)

پولا معتقد است لائیسیته دولتی به سه اصل می‌پردازد: اول اینکه قانون اساسی به خداوند و امور الهی رجوع نخواهد کرد و حقوق بشر و اعلامیه مربوط به آن در ۱۷۸۹ منبع قرار خواهد گرفت؛ دوم اینکه رابطه دولت و کلیسا را تعریف می‌کند و نه اینکه آن را قطع کند؛ و سومین اصل که قلب این قانون است، تضمین آزادی اعمال مذهبی است که از سال وقوع انقلاب فرانسه در این کشور به رسمیت شناخته شده است. (پوشش زنان مسلمان آماج سیاست فرانسه، ۱۳۸۲، ص ۶)

آنچه از بررسی تاریخی، فلسفی، حقوقی و حتی لغوی لائیسیته به دست می‌آید، دلالت بر بی‌طرفی آن نسبت به ادیان و مذاهب و اعتقادات افراد به آنها دارد و سابقه این مفهوم یا معنا و ریشه لغوی آن نمی‌تواند دلالت بر دین‌ستیزی نماید و حداکثر چیزی که از لائیسیته قابل استفاده است، جلوگیری از ورود کلیسا یا هر دین و آموزه دینی دیگر به عرصه قدرت، اداره کشور، نظام آموزشی و مسائلی از این دست می‌باشد.<sup>۱۱</sup> بنابراین توسل به مفهوم لائیسیته به عنوان مبنای نظری قانون پیش‌گفته و جلوگیری از رعایت حجاب زنان و دختران مسلمان فرانسوی قابل توجیه نمی‌باشد و این مفهوم قابلیت چنین تفسیری را ندارد.

### ۳. نقد و تحلیل بر اساس معنای عام حقوق بشر

در این قسمت سؤال این است که با توجه به معنای حقوق بشر طبق آنچه گفته خواهد شد و یا حتی در اعلامیه‌ها و قوانین مورد قبول کشور فرانسه وجود دارد، محروم کردن دختران دانش‌آموز محجبه از حجاب اسلامی در راستای حقوق بشر است یا در تعارض با آن؟ آیا می‌توان با توجه به نظرات دولتمردان فرانسوی، حقوق بشر را به زور به کسی داد که آنها ادعا می‌کنند به دنبال احقاق حقوق زنان محجبه هستند؟ و آیا می‌توان محرومیت از حقوق و آموزه‌های دینی یک فرد را به برخوردار نمودن او از حقوق بشر تعبیر نمود؟

پاسخ به سوال پیش‌گفته را می‌توان با این سؤال آغاز کرد که آیا حجاب اصولاً یک امر حقوق بشری است و به عبارت دیگر، آیا حقوق بشر ناظر به مقوله حجاب هم هست یا نه؟ در پاسخ باید گفت بلی، زیرا به هر حال ذهنیتی که در میان مسلمانان نسبت به حجاب وجود دارد و ذهنیتی که انسان غربی نسبت به آن دارد، از دو حالت خارج نیست: حجاب یا عنصر اسارت و محدودیت است یا عامل آزادی و رهایی‌بخش. در اینجا است که حقوق بشر بالاخره موضع می‌گیرد؛ حال یا ایجابی و مثبت و یا سلبی و منفی.

بر همین اساس در جریان تصویب قانون ۱۵ مارس ۲۰۰۴م، حقوق بشر به عنوان یکی از ادله تصویب قانون شمرده می‌شد و حجاب به عنوان عامل نابرابری زن و مرد و به نوعی نشان از ظلم به زن تبلیغ می‌شد. حتی در جریان تبلیغات انتخاباتی «سگولن



رویال» کاندیدای ریاست جمهوری فرانسه، رگه‌های این بحث قابل مشاهده است. رویال زنان محجبه را در کنار زن‌های هتک حرمت شده، زنان آواره مهاجر و... قرار داده و مدعی حمایت از آنها شد تا به حقوق و آزادی‌های اساسی دست یابند. (جاوید، ۱۳۸۸، ص ۲۳۷)

حقوق بشر اصولاً ناظر به آن دسته از حقوقی است که هر انسانی به حکم انسان بودن خود از آنها برخوردار است و هیچ عامل نژادی، قومی، ملی، مذهبی و... فرد را از شمول این حقوق خارج نمی‌کند. حقوق بشر ریشه در چهار منبع و مبنا دارد؛ اولین حقوقی که حقوق بشر از آن الهام گرفته، حقوق دینی است که اساس آن وحی است؛ ریشه و تبار دیگر حقوق بشر، حقوق طبیعی است که منظور از آن، یک نگاه فلسفه حقوقی به حقوق انسان است که انسان را در دو بعد عقل و جسم مورد توجه قرار می‌دهد و بر این اساس حقوقی را مقرر می‌کند؛ منبع سوم، حقوق عرفی است که همان عادات و سنن متداول در جامعه است که بر اساس قراردادهای و تفاهمات بین آنها به رسمیت درآمده و به گروه‌های دیگر تعمیم یافته و شکل عام و قاعده‌مند یافته است؛ چهارمین منبع، حقوق رسمی است که البته تفاوت‌هایی با سه منبع قبلی دارد ولی به هر حال شامل اعلامیه‌ها، میثاق‌ها، معاهدات، کنوانسیون‌ها و... بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی حقوق بشری است که در مقام تأمین حقوق بشرند و به آنها حقوق بشر مدون نیز اطلاق می‌شود. (جاوید، ۱۳۸۸، صص ۲۴۰-۲۳۸)

در تعریف و تحدید حقوق بشر باید به حقوق طبیعی و آنچه وی به عنوان انسان واجد آن می‌شود، دقت کرد. برای شناخت این حقوق باید به استعدادهای انسان توجه نمود و این جمله شهید مطهری<sup>(ره)</sup> که هر استعداد طبیعی، سرچشمه یک حق طبیعی است. (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۷۹)

حقوق بشر پس از تعیین از سوی سه دسته قانون ممکن است مورد تضعیف و انکار قرار گیرد که عبارتند از: اول، قوانینی که ضد وجدان و دین بشر است؛ دوم، قوانینی که ضد عقل انسان است و سوم، قوانینی که ضد برابری و تساوی انسان‌ها است. (جاوید، ۱۳۸۸، ص ۲۵۱) سؤال اینجاست که اگر این اتفاق روی داد، وظیفه هر یک از افراد جامعه چیست؟ به عبارتی آیا می‌توان اعتراض و نافرمانی نمود؟ البته این بحث فارغ از این است که آن حق بشری با حمایت‌های قانونی و قراردادهای اجتماعی

تبدیل به حقوق شهروندی شده باشد یا نه. با بررسی قوانین کشورهای مختلف در خصوص موارد جواز نافرمانی مدنی و اعتراضات شهروندان این نتیجه به دست می‌آید که سازوکار عکس‌العمل و اعتراض شهروندان نسبت به قوانین پیش‌گفته، به وضوح مشخص نیست و تفکیکی میان آنها وجود ندارد که مثلاً در قبال کدام یک می‌شود بلافاصله و در قبال کدام دیگری باید پس از طی مراحل قبلی، اقدام به اعتراض و واکنش نمود.

اما اگر نگاه حقوق بشری جایگزین حقوق شهروندی و تبعیت از قوانین شود، آنگاه عقل اقتضاء می‌کند که انسان در قبال قوانین نوع اول، بلافاصله و بدون فوت وقت واکنش نشان داده و اعتراض نماید. دلیل این امر آن است که در قوانین ضد عقل و ضد برابری، به صورت فوری، انسان از هدف و غایت خویش دور نمی‌شود و می‌توان قبل از واکنش اعتراضی، اقدام به مذاکره نمود تا مشکل از طرق دیگر حل گردد؛ اما در جایی که قانونی ضد دین افراد است، عدم اعتراض مساوی خواهد بود با دست کشیدن از آنچه که فرد به عنوان متدین و ملتزم به یک دین خاص باید آن را رعایت کند و حق ترک آن را به هیچ وجه ندارد، بنابراین حق افراد است که بدون تعلل اعتراض کرده و حقوق بشری مبتنی بر دین خویش را مطالبه نمایند.

بر همین اساس بود که بعد از تصویب قانون، بلافاصله متضررین از آن، خصوصاً مسلمانان اقدام به اعتراض نمودند، زیرا این قانون را در تعارض با دستورهای دینی خود و التزام به آن را مساوی با عذاب اخروی می‌دانستند. (فرانسه، ممنوعیت حجاب و پیامدهای آن، ۱۳۸۲، ص ۱۴)

در پایان باید به این نکته اشاره نمود که قائلان و معتقدان به ضرورت برخورد با حجاب اسلامی وظیفه نظام سکولار را در حمایت از آزادی همه شهروندان از جمله مسلمانان و خصوصاً زنان محجبه مظلوم می‌دانند و این را عامل تصویب قانون منع حجاب می‌شمرند. (فرانسه، ممنوعیت حجاب و پیامدهای آن، ۱۳۸۲، ص ۱۴) در پاسخ به این ادعا باید گفت: اولاً، اینکه دختران محجبه تحت فشار هستند، تنها یک ادعاست و هیچ نظرسنجی یا تحقیقی آن را تأیید نمی‌کند و می‌توان در مقابل این ادعا حقیقت و واقعیت ملموس خارجی را مطرح کرد و گفت اتفاقاً آنها با رضایت کامل حجاب را برگزیده‌اند؛ ثانیاً، اگر اجباری از سوی والدین یا محیط زندگی این دختران برای حجاب

وجود داشت، قطعاً این اجبار در مدرسه برداشته می‌شد و آنان آزاد بودند که به دور از فشارهای خانواده و با حمایت اولیای مدارس حجاب خود را از سر بردارند، اما در مقام واقع نه تنها چنین نکردند، بلکه به شدت بر حجاب خود اصرار ورزیدند؛ ثالثاً، اعتراض‌ها، پیام‌ها، تحصن‌ها، اعتصابات و ... که از طرف دختران محجبه واقع شد، علامت انتخاب آگاهانه حجاب و رد ادعای اجباری بودن آن است.

موافقان منع حجاب و از جمله دولتمردان در توجیه تصویب این قانون مدعی هستند که اصلاً این قانون، قانون منع حجاب نیست بلکه قانون منع استفاده از نشانه‌های مذهبی در اماکن عمومی است که حجاب تنها یکی از مصادیق آن است و این قانون شامل نمادهای مذهبی سایر ادیان و مذاهب نیز می‌شود و تلقی مسلمانان از این قانون ناشی از نوعی توهم توطئه است.

در پاسخ به این ادعای دولتمردان فرانسوی چند نکته قابل توجه و تأمل است؛  
**اولاً:** از میان نمادهای مذهبی همچون حجاب اسلامی، صلیب مسیحی، کپای یهودی، ستاره داوود، دستار هندوها و ...، تنها حجاب اسلامی یک فریضه و واجب دینی است؛ ولی بقیه موارد واقعاً نماد هستند و عدم التزام به آنها از جانب پیروان ادیان، به معنای مخالفت با دستوره‌های دینی تلقی نمی‌شود.

**ثانیاً:** اگر واقعاً منظور از این قانون، به طور مشخص تعارض و مبارزه با حجاب اسلامی نیست، چرا تا قبل از تصویب قانون ۱۵ مارس ۲۰۰۴م، هیچ نمونه‌ای از برخورد مدارس با مسیحیان، یهودیان و ... که حامل نمادهای مذهبی خودشان بودند، صورت نگرفت و فقط حجاب اسلامی در تعارض با لائیسیته و دموکراسی ارزیابی شد و از سال ۱۹۸۹م، اخراج دانش‌آموزان و ایجاد محدودیت برای آنها توسط مدارس آغاز شد؟

**ثالثاً:** اگر همه نمادهای مذهبی، مورد نظر مقنن فرانسوی است، چرا در حال حاضر و حتی بلافاصله پس از تصویب قانون پیش‌گفته مسیحیان، یهودیان و ... همانند قبل و با نمادهای خود در کلاس‌ها حاضر شدند و اعمال جدی و دقیق قانون صرفاً متوجه حجاب اسلامی شد؟

**رابعاً:** چرا در برخورد با نمادهای مذهبی تبعیض وجود دارد؟ با چه توجیهی همزمان با منع حجاب در متن قانون، صلیب کوچک مجاز شمرده می‌شود؟ چرا حجاب

راهبه‌های مسیحی بلاشکال دانسته می‌شود؟

**خامساً:** اگر نگاه مقنن فرانسوی به نمادهای دینی بدون تبعیض است، چرا پس از قانون ۲۰۰۴م. روند سختگیری جدی علیه مسلمانان آنقدر ادامه یافت تا اینکه در ۷ اکتبر ۲۰۱۰م. برقع نیز در کلیه اماکن عمومی ممنوع و برای استفاده‌کنندگان از آن مجازات تعیین شد، در حالی که بعد از قانون ۲۰۰۴م. در مورد سایر نمادهای ادیان و مذاهب دیگر بحثی در میان نیست؟

**سادساً:** اگر دولت فرانسه نگاه تبعیض‌آمیزی در این موضوع ندارد، دلیل تبلیغات گسترده رسانه‌های دولتی و خصوصی این کشور طی ۲۰ سال اخیر علیه حجاب اسلامی و عدم توجه آنها به نمادهای مذهبی سایر ادیان چیست؟ چرا از سال ۱۹۸۹م. هجده علیه حجاب اسلامی و مساوی دانستن آن با خشونت، تروریسم، ارتجاع و... به صورت مداوم و گسترده تبلیغ می‌شود و خبری از نقد و تحلیل نمادهای سایر ادیان و مذاهب نیست؟

**سابعاً:** اگر نگاه دولت فرانسه نسبت به ادیان، یکسان و بدون تبعیض است، دلیل مخالفت شیراک با پیشنهاد کمیسیون استاسی در مورد تعطیلی عید فطر برای مسلمانان چیست؟ در حالی که تمام تعطیلات کشور فرانسه براساس مناسبت‌های دین مسیحیت تنظیم شده است؟

### جمع‌بندی

با توجه به عدم امکان توجیه قانون منع استفاده از نشانه‌های مذهبی در اماکن عمومی با قوانین داخلی، مقررات تعهدآور بین‌المللی، اصول بنیادین نظام سیاسی فرانسه و مبانی حقوق بشر سؤالی که قابل طرح است، این است که واقعاً هدف دولت فرانسه از تصویب این قانون چه بود؟ برای پاسخ به این سؤال باید توجه نمود که دشمنی غرب با اسلام و مسلمانان که سابقه‌ای دیرینه دارد، با همان نیت و انگیزه سابق ادامه دارد، در عین حال، تلاش غرب و هجده آن علیه حجاب از چند جهت با حملات سابق متفاوت است.

تفاوت اول اینکه تا امروز، غالباً آنها مهاجم بودند و جریان اسلام ناب، مدافع؛ ولی در قضیه حجاب در اروپا، این اسلام است که مهاجم بوده و اتفاقاً ضربه اساسی را به

آنها وارد کرده و آنها فقط منفعلانه دفاع می‌کنند؛ تفاوت دوم اینکه تاکنون بیشتر نزاع‌ها مخفی و غیررسمی بود و غرب تلاش می‌کرد با استفاده از قدرت رسانه‌ای خویش بر آنها سرپوش گذارد، ولی در جریان منع حجاب، علیرغم میل آنها، پرده از روی این نبرد کشیده شد و رسانه‌های غرب مجبور به انعکاس آن شدند و این مطلوب دولتمردان غرب نبود، زیرا چشم جهانیان به نزاعی باز شد که اولاً، ریشه در تمایلات مادی نداشت و مبتنی بر تمایلات معنوی عده‌ای مسلمان بود؛ ثانیاً، استدلال‌ها و دلایل مجریان طرح که یک طرف دعوا بودند، حتی از طرف برخی اندیشمندان کشور فرانسه مورد قبول واقع نشد؛ و سومین تفاوت اینکه تا الان، خط مقدم این نزاع، خاک کشورهای اسلامی و جوانان مسلمان آن بودند، اما اکنون خط مقدم به عمق جبهه جغرافیایی لیبرال دموکراسی کشیده شده است و محل نزاع قلب اروپاست و این یعنی خط بطلان بر ادعاهای چندصد ساله غرب مبنی بر اینکه جنگ اسلام و غرب، جنگ مسلمانان با شهروندان غربی و جنگ مسلمانان با پیروان سایر ادیان است، ولی نبرد حجاب اثبات کرد که جنگ اسلام، جنگ عقیده است و مرز و جغرافیا نمی‌شناسد.

به نظر می‌رسد عامل اصلی رفتارهای غرب در قبال اسلام و آموزه‌های اسلامی از جمله حجاب چیزی نیست جز پدیده موهومی به نام «اسلام‌هراسی» که به موجب آن، مسلمانان به عنوان یک خطر برای غرب و شهروندان آن، معرفی می‌گردند و هر یک از احزاب و سازمان‌های ضد اسلامی سعی می‌کند با بزرگ‌نمایی این خطر از یک سو، ضربه‌ای به مسلمانان وارد کند و از سوی دیگر، خود را دلسوز تمدن غربی نشان داده و حمایت مردم را برای کسب بیشتر قدرت در دستگاه‌های حکومتی به دست آورد. «فلیپ رولند»، نویسنده تندرو غربی برای توجه بیشتر غربیان به خطر مسلمانان در غرب می‌گوید: «مسلمانان بمب انفجاری هستند و اسلام بسیاری از مردم به ویژه مردم اروپا را به سوی خود جذب می‌کند.» (تهرانی، ۱۳۸۹، ص ۲)

ادامه جریان ستیز دولتمردان فرانسوی با حجاب اسلامی که در ۷ اکتبر ۲۰۱۰م. با تصویب قانونی مبنی بر ممنوعیت استفاده از برقع در کلیه اماکن عمومی و تعیین مجازات برای استفاده‌کنندگان از آن آشکارتر گردید، از سوی سایر دولت‌های اروپایی به عنوان یک الگو مورد پیروی قرار گرفت و ایجاد ممنوعیت‌هایی برای پوشش در کشورهای چون هلند، بلژیک، ایتالیا، هلند و آلمان مؤیدی بر این ادعاست.

## یادداشت‌ها

- 1- Gabriel Havez
- 2- Francois Bayrou
- 3- Le Poin

۴- متن قانون به این صورت بود: «قانون شماره ۲۲۸-۲۰۰۴، ۱۵ مارس ۲۰۰۴، با توجه به اصل لائیسیته، داشتن نشانه‌ها یا پوششی که نمایانگر وابستگی مذهبی در مدارس، کالج‌ها و دبیرستان‌های دولتی باشد، ممنوع می‌باشد.»

ماده ۱: در مقررات آموزشی، ماده ل/۱۴۱-۱۵ بعد از ماده ل ۱۴۱-۵ ضمیمه می‌گردد:

ماده ل/۱۴۱-۵: در مدارس، کالج‌ها و دبیرستان‌های دولتی، داشتن نشانه یا پوششی که از طریق آن دانش‌آموزان آشکارا وابستگی مذهبی خود را نشان دهند، ممنوع می‌باشد. آیین‌نامه انضباطی داخلی یادآور می‌شود که برای به اجرا گذاشتن اقدام انضباطی، می‌بایست بدو با دانش‌آموز به گفت‌وگو نشست.

ماده ۲: مربوط به حوزه جغرافیایی قانون یعنی کشور فرانسه و کلونی (مجموعه‌های سابق می‌باشد).

ماده ۳: موارد این قانون از شروع سال تحصیلی که متعاقب تصویب قانون باشد، به مرحله اجرا درخواهد آمد.

ماده ۴: موارد این قانون پس از یک سال از اجرای آن مجدداً برآورد خواهند شد. این قانون در مقام قانون دولتی به اجرا درخواهد آمد.»

۵. قانون شماره ۱۱۹۲-۲۰۱۰ مصوب ۱۱ اکتبر ۲۰۱۰ در ممنوعیت پوشش چهره در مکان‌های عمومی.

### 6- Déclaration Universelle des droit de l homme

۷. ملت فرانسه پایبندی خود را به حقوق بشر و به اصول حاکمیت ملی همان‌گونه که در اعلامیه ۱۷۸۹ مشخص و در مقدمه قانون اساسی ۱۹۴۶ تأکید و تکمیل شده است، رسماً اعلام می‌نماید. به موجب این اصول و اصل اراده آزاد ملت‌ها، جمهوری به سرزمین‌های ماوراء بحاری که اراده الحاق به جمهوری را داشته باشند، وضعیت حقوقی نوینی اعطا خواهد کرد که بر اساس آرمان مشترک آزادی، برابری و برادری پی‌ریزی و با هدف پیشرفت آزادی در آن سرزمین‌ها طرح‌ریزی شده باشد.

### 8- Europran Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (ECHR).

۹. خبرگزاری آسوشیتدپرس: دادگاه عالی حقوق بشر اروپا از قانون منع حجاب در فرانسه به رغم اینکه یکی از کارکنان بیمارستانی در پاریس به دلیل حمل روسری کار خود را از دست داد، حمایت کرد. از سوی دیگر دادگاه حقوق بشر اروپا ممنوعیت استفاده از برقع و نقاب در

اماکن عمومی فرانسه را مورد تأیید قرار داده است. قضات دادگاه حقوق بشر اروپا گفتند که مقام‌های فرانسه برای حفظ انسجام اجتماعی، هدف‌های مشروعی داشته‌اند. بنا به رای دادگاه حقوق بشر اروپا، ممنوعیت برقع و نقاب ارتباطی با موضوعیت دینی آنها ندارد و به دلیل آن است که این نوع از حجاب صورت را می‌پوشاند. این دادگاه گفته رأی صادره نهایی است و قابل تجدید نظر نیست (<http://www.mizanonline.ir/fa/news/103097>). نمونه دیگر از این موضوع «لیلا شاهین» دانشجوی سال پنجم پزشکی دانشگاه «بورسا» است که پس از انتقال به دانشگاه استانبول به دلیل پوشش اسلامی از ادامه تحصیل محروم گردید. وی در سال ۱۹۹۸م. در شکایتی به دیوان اروپایی حقوق بشر، مدعی شد حق بشری وی در تحصیل به دلیل برخورداری از حجاب از سوی دولت ترکیه نقض شده است. اما دیوان با رد این ادعا، عمل دولت ترکیه را تأیید نمود. به نظر دیوان، رفتار دولت ترکیه برای حفظ نظم در دانشگاه و خودداری از ترجیح یک دین بر دین دیگر لازم بوده است.

(c.f. skach, 2006: No.1, pp.186-196)

۱۰. سیاست بی‌طرفی مثبت، الزام بی‌طرفی و بی‌توجهی نسبت به مسائل نیست بلکه اتخاذ راهکار و روشی است که دولت، ضمن آنکه در هیچ‌یک از مناقشات و درگیری‌ها به نفع و یا برضد یک طرف درگیر موضع نمی‌گیرد، اما در عین حال نقش فعال و مثبت را در حل مناقشات ایفا می‌کند.

۱۱. باید توجه نمود که لائیسیته با سکولاریسم متفاوت است. به‌طور کلی لائیسیته به معنای استقلال حکومت (دولت) از دین است به نحوی که حکومت بدون تأثیرگرفتن از دین امور دولت-کشور را کنترل کند؛ نکته‌ای که در اینجا باید مد نظر قرار گیرد این است که لائیسیته سیاست را از دین جدا نمی‌کند بلکه فقط می‌خواهد دولت (امور مربوط به حکومت) را از دین و مذهب جدا کند پس بر این اساس دولت لائیک «ضد دین» نیست و فقط به دین کاری ندارد. این نهاد برای اولین بار در کشور فرانسه (معتقد به کلیسای کاتولیک) به وجود آمد و دلیل آن رخنه کلیسای کاتولیک و مقام پاپ در امور حکومتی بود و سپس از آنجا به سایر جوامع منتقل شد اما به طور کامل به اجرا در نیامد اما جنبش سکولاریسم بر خلاف بعضی نظرات مطرح‌شده جریانی خلاف لائیسیته را دارا می‌باشد.

این نهاد برای اولین بار در کشور انگلستان (معتقد به کلیسای پروتستان) به وجود آمد. جانمایه ایده سکولاریزاسیون جدایی دین از دولت نبود بلکه بر این مبنا شکل گرفت که امور جامعه به طور مداوم در حال تغییر است و دین به دلیل اینکه در برخی موارد احکام ثابت و ایستایی عرضه می‌دارد، نمی‌تواند پاسخگوی مسائل به روز مردم باشد پس با این مقدمه به جای اینکه

دین بر حکومت سلطه داشته باشد، امور اجتماعی و حکومتی و... بر دین سلطه پیدا می‌کند؛ به این معنا که دین با عرف جامعه سازگار می‌شود. به این ترتیب پدیده‌ای تحت عنوان «دولت عرفی» به وجود می‌آید. بر این اساس در بحث سکولاریزاسیون حکومت دینی جایگاهی ندارد و اگر هم در قانون اساسی دینی به رسمیت شناخته شود تنها و تنها جنبه تاریخی دارد. بنابراین اگر یک طرف حکومت را در نظر بگیریم و یک طرف دین را؛ در حالت لائیک بودن جامعه این دو از یکدیگر تفکیک می‌شود و در حالت سکولار بودن جامعه دین تابع عرف جامعه می‌شود.

## فهرست منابع

### الف: منابع فارسی

#### کتاب:

- ۱- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، *درس‌های دموکراسی برای همه*، تهران: نگاه معاصر.
- ۲- بیتنام، دیوید و کوین بویل (۱۳۷۶)، *دموکراسی چیست؟*، ترجمه شهرام نقش تبریزی، تهران: ققنوس.
- ۳- جر، خلیل (۱۳۸۷)، *فرهنگ لاروس*، ترجمه سید حمید طیبیان. تهران: امیر کبیر، چاپ هجدهم.
- ۴- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴)، *حقوق اساسی تطبیقی*، تهران: میزان.
- ۵- غلامی، علی (۱۳۹۳)، *مسأله حجاب در غرب*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم.
- ۶- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، *آزادی معنوی*، تهران: صدرا، چاپ پنجاه و چهارم.

#### مقالات و نشریات:

- ۷- «پوشش زنان مسلمان آماج سیاست فرانسه» (۱۳۸۲)، *روزنامه سیاست روز*، ۱۳۸۲/۱۰/۷.
- ۸- «فرانسه، ممنوعیت حجاب و پیامدهای آن» (۱۳۸۲)، *مجله پگاه حوزه*، شماره ۱۱۷.
- ۹- تهرانی، امین (۱۳۸۹)، «*هججه مدعیان تمدن و آزادی به حجاب اسلامی*»، نشریه پرتو سخن، شماره ۵۳۰.
- ۱۰- جاوید، محمدجواد (۱۳۸۸)، «*حجاب و حقوق بشر*»، *مجموعه مقالات کتاب گفتارهایی در باب حجاب*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۱۱- رحمانیان، حامد (۱۳۸۴)، *کدام آزادی؟*، *روزنامه رسالت* ۱۳۸۴/۴/۷.



- ۱۲- ضابط، شادی (۱۳۸۸)، «بازنمایی حجاب در رسانه‌های فرانسه»، مجموعه مقالات کتاب تأملی بر ابعاد عملی و تجربی حجاب. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۱۳- ضابط، شادی (۴-۱۳۸۳)، «آزادی به سبک فرانسوی»، مجله سوره، شماره ۱۵.
- ۱۴- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۸۸)، «تعارض مفاد قانون منع حجاب در فرانسه با اصول دموکراس»، مجموعه مقالات کتاب تأملی بر ابعاد عملی و تجربی حجاب، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۱۵- کاراگر، رجب (۱۳۸۱)، «مسأله حجاب در اروپای غربی»، ترجمه داود وفایی و منصوره حسینی. نشریه غرب در آینه فرهنگ، شماره ۱۸ و ۱۹.
- ۱۶- کیانپور، مسعود و یزدخواستی، بهجت (۱۳۸۵)، «جامعه‌شناسی تاریخی سکولاریسم: بررسی جامعه‌شناختی قانون منع استفاده از علائم مذهبی در مدارس دولتی فرانسه»، مجله مطالعات زنان، شماره ۳.
- ۱۷- «اسلام در فرانسه» (۱۳۸۵)، مجله معارف، شماره ۳۵.
- ۱۸- ویژه، محمدرضا (۱۳۸۳)، «مفهوم لائیسیتته در نظام حقوقی فرانسه»، روزنامه سیاست روز ۱۳۸۳/۴/۱۷.

### ب: منابع لاتین

- 19- Deltombe, Thomas (2005), *L'Islam imaginaire*, La construction médiatique de L'islamophobie en France, 1975-2005. Paris: La Découverte.
- 20- Gianni, Matteo, and Xavier Guillaume (2004), *Unveiling Citizens: Veiling Democracy?* Presented at the 5<sup>th</sup> Pan-European International Relations Conference, 9-11 September, The Hague, The Netherlands.
- 21-Skach, Cindy & Sahin Turkey, v.(2006), *Teacher Headscarf*. Case no, 2BvR 1436/02, The American Journal of International Law Vol.100, Jan.
- 22- Windle, Joel (2004), *Schooling, Symbolism, and Social Power: The Hijab in Republican France*. The Australian Educational Researcher.

### ج: پایگاه‌های اینترنتی:

- 23- <http://www.larousse.fr/>.
- 24- <http://www.conseil-constitutionnel.fr/>.
- 25- <http://www.ohchr.org/>.
- 26- <http://www.echr.coe.int/Documents/Convention>.
- 27- <http://www.un.org/en/charter-united-nations>.
- 28- <http://www.mizanonline.ir/fa/news/103097>.
- 29- <http://www.shia-news.com/fa/news/17336>.
- 30- <http://www.un.org/fr/universal-declaration-human-rights>.